

## مقدمه ای بر نسل چهارم حقوق بشر؛ حمایت از کرامت انسانی در عصر ارتباطات

حامد بابازاده مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

نسل‌های سه گانه‌ی حقوق بشر هر کدام شامل حقوقی می‌باشد که احترام و تضمین آنها فراتر از حوزه‌های داخلی کشورها، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تأکید قرار دارد. در شرایطی که طرح طبقه‌بندی نسل‌های حقوق بشر مورد انتقاد جدی قرار گرفته، تا جایی که با تردید به نسل سوم حقوق بشر نگاه می‌شود، سخن از نسل چهارم و حتی نسل پنجم حقوق بشر به میان آمده است. در این مقاله پس از تشریح زمینه‌ی طرح نسل چهارم، بر مبنای دیدگاه‌های اساتید و پژوهشگران حقوق به تبیین مفهوم و دامنه‌ی حقوق نسل چهارم پرداخته شده است.

بر مبنای نتایج تحقیق، طرح نسل چهارم حقوق بشر یک ایده غیرعلمی و بدون مبنا نبوده و برخی از اساتید و پژوهشگران حقوق -به ویژه در سال‌های اخیر- بر لزوم شناسایی نسل جدیدی از حقوق بشر تأکید دارند. زمینه اصلی و دلیل شکل‌گیری این دغدغه در میان پژوهشگران حقوقی، لزوم حفظ کرامت انسانی در عصر حاضر است؛ دورانی که بدون تردید مهم‌ترین ویژگی آن رشد سریع تکنولوژی و تحول در ارتباطات می‌باشد. به این ترتیب نسل چهارم حقوق بشر را می‌توان مجموعه حقوقی دانست که هدف آن حمایت از کرامت انسانی در تحقیقات علمی و در برابر تکنولوژی‌های نوین است. هنوز چارچوب حقوق نسل چهارم حقوق بشر نه به لحاظ تبیین مبانی حقوقی،

---

<sup>۱</sup> کاندیدای دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران hmoghadam32@yahoo.com

نه از لحاظ تعریف دقیق موضوع و نه از نظر تعیین صاحبان حق و مسئولان آن به صورت دقیق تعریف نشده و به صورت کلی در خصوص مصادیق این حقوق اتفاق نظر وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، نسل‌های حقوق بشر، نسل چهارم حقوق بشر، کرامت انسانی

## مقدمه

حقوق بشر اساسی‌ترین حقوق انسان است؛ همه افراد به صرف انسان بودن از این حقوق برخوردار هستند. تلاش برای شنا سایی و تضمین این حقوق، که به واقع در تاریخ انسانیت و به ویژه تعالیم ادیان ریشه دارد؛ در سال‌هایی آغاز و به نتیجه رسید که انسان‌های زیادی در کشورهای مختلف بدلیل جنگ جهانی دوم در رنج و اندوه فراوان بودند. بنابراین گام‌های اصلی در تدوین و اجرای حقوق بشر به دوره‌ای بر می‌گردد که انسان‌ها، خسته از خشونت، تنفر و ایدئولوژی‌های فاشیستی؛ در انتظار صلح بوده و نخبگان تلاش داشتند تا از تکرار فجایع جنگ‌های جهانی و کشتار میلیون‌ها انسان جلوگیری نمایند.

امروزه احترام و تضمین حقوق بشر به دغدغه و مطالبه‌ای فراگیر در جوامع مختلف تبدیل شده است. هنگامی که از حقوق بشر صحبت می‌شود، نسل‌های حقوق بشر مقدم بر سایر مباحث مطرح می‌گردد که در واقع نوعی تقسیم‌بندی حقوق بشر است.

نسل اول، نسل دوم و نسل سوم هر کدام شامل حقوقی است که تأمین و تضمین آنها از سطح محدود خارج شده و حمایت از این حق‌ها در سطح جهانی مطرح می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر احترام و تضمین حق‌های بشری در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها متعهد به اجرای این اسناد هستند.

نسل اول حقوق بشر، حقوق مدنی و سیاسی است و شامل حقوق بنیادینی چون حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان، اجتماع، امنیت و ضمانت‌های قضایی را در بر می‌گیرد. نسل دوم حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. برخی از این حقوق عبارتند از کار، تأمین اجتماع، سطح مناسب زندگی، رفاه، حق مشارکت در زندگی فرهنگی و ... که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. نسل سوم حقوق بشر نیز که به آن حقوق جمعی نیز اطلاق می‌گردد؛ شامل حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح می‌شود. مؤلفه‌های اصلی حقوق نسل سوم، به معنای برابری و تساوی همه انسان‌ها یعنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عمومی می‌گردد. در واقع در نسل سوم حقوق

بشر، عناوین مسئولیت تا حدود زیادی تغییر کرده‌اند. مسئول اولیه در دو نسل اول و دوم در حمایت و تضمین حقوق بشر دولت است؛ اما در نسل سوم هر چند مسئولیت اولیه و اساسی با دولت خواهد بود ولی شاخص مشارکتی انواع حقوق نسل سوم، این مسئولیت را عملاً کمرنگ نموده است. (ذاکریان، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵)

طرح طبقه‌بندی مؤلفه‌هایی که نسل‌ها را شکل می‌دهند، مورد انتقاد جدی قرار گرفته؛ ممکن است این تلقی ایجاد شود که نسل‌های جدید حقوق بشر نسل‌های قدیمی‌تر را نسخ می‌کنند، اما در بحث نسل‌های حقوق بشر، موضوع این نیست. بین سه نسل یک رابطه همزیستی و حمایت متقابل وجود دارد (تاموشات، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴) و طبقه‌بندی حقوق بشر به نسل‌های سه گانه، تقسیم‌بندی بر مبنای سیر تحول تاریخی حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد نه تقسیم‌بندی عملی. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۳، ص ۶۵) در شرایطی که هنوز با تردید به نسل سوم حقوق بشر نگاه می‌شود، سخن از نسل چهارم و حتی پنجم حقوق بشر به میان آمده است.

با طرح مطالبی پیرامون نسل‌های جدید حقوق بشر، از یک سو نگرانی‌هایی برای کاهش اهمیت حقوق شناسایی شده ایجاد می‌شود و از سوی دیگر مرور زمان و نیازهای روز انسان‌ها، مانع نفی عجلوانه این حقوق می‌شود. بنابراین در نوشتار حاضر که مقدمه‌ای بر نسل چهارم حقوق بشر است، تلاش خواهد شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اصولاً سخن از نسل چهارم حقوق بشر صحیح است؟ برای پاسخ به این پرسش اصلی، باید به سؤالات فرعی دیگری همچون موارد زیر پاسخ داد:

دلایل و زمینه‌های طرح نسل چهارم از سوی برخی حقوقدانان چیست؟ نسل چهارم حقوق بشر چه مفهوم و دامنه‌ای دارد؟ مصادیق نسل چهارم شامل چه مواردی می‌شود؟ و... در این مقاله، پس از تشریح زمینه طرح نسل چهارم، بر مبنای دیدگاه‌های اساتید و پژوهشگران حقوق به تبیین مفهوم و دامنه‌ی حقوق نسل چهارم پرداخته می‌شود. البته باید توجه داشت که دامنه‌ی نسل چهارم حقوق بشر باید در فرست دیگری و به صورت دقیق مورد ارزیابی و تبیین قرار گیرد؛ لذا هدف از اشاره به دامنه‌ی نسل چهارم در این نوشتار، ایجاد ذهنیت روشن‌تری از نسل چهارم در

ذهن مخاطب از یک سو و از سوی دیگر طرح پرسش‌های جدید برای تقویت حرکت علمی است.

### بند اول - لزوم حفظ کرامت انسانی در مقابل رشد سریع تکنولوژی

در مطالعه و تحقیق علمی، به ویژه هنگامی که هدف ما اثبات وجود یا عدم وجود یک پدیده باشد، یکی از گام‌های اصلی شناخت و ارزیابی دقیق زمینه‌ها و دلایل طرح آن پدیده است. بر همین مبنا و در بند نخست به ارزیابی زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری نسل چهارم حقوق بشر پرداخته می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که نسل‌های حقوق بشر در یک فضای غیرواقعی و آرمانی شکل نگرفته بلکه نتیجه سال‌ها تجربه انسانی و مطالعه دانشمندان و به ویژه علمای حقوق است. بنابراین تعدیل یا گسترش این نسل‌ها نیز باید به دلیل تغییراتی که در عالم واقع صورت می‌گیرد و برای پاسخگویی به نیازها شکل بگیرد. از سوی دیگر وجود زمینه‌های حمایت از حق هم مهم است؛ اگر زمینه‌های حمایتی و قابلیت پذیرش حق وجود نداشته باشد، طرح آن فایده چندانی ندارد و اصولاً کشورها خود را ملزم به تبعیت از آن نمی‌دانند. یادآوری می‌شود که ارائه فهرست بلند و بالایی از حق‌ها نه تنها در مواردی فاقد اثر و فایده است، بلکه در مواقعی می‌تواند بر حمایت از حقوق اساسی دیگر تأثیر منفی داشته باشد.

در تشریح بیشتر اشاره به موضوع تورم قوانین خالی از لطف نیست؛ نظام‌های حقوقی همواره تلاش می‌نمایند تا مسئله تورم قوانین را حل کنند، زیرا وجود هنجارهای متعدد به تنهایی راه‌گشا نیست و حتی می‌تواند موجب کم‌رنگ شدن و کاهش اثرگذاری قوانین مهم و اصلی شود. چنانچه قوانین با درک صحیح شرایط و مبتنی بر نیازها و ضرورت‌ها؛ با رویکرد علمی و مبتنی بر روش‌های تجربه شده صورت گیرد؛ نیاز به وضع قوانین متعدد نیست.

با توجه به توضیحات فوق که مدخل بحث در بخش حاضر است، حال باید به این سؤال پاسخ داد که زمینه‌ی اصلی طرح نسل چهارم حقوق بشر از سوی برخی حقوقدانان چیست؟ با مطالعه آثار حقوقدانان و متفکرانی که از نسل چهارم و لزوم حمایت از حقوقی که در گروه مذکور جای دارند، سخن گفته‌اند مشخص می‌شود که

نقطه اشتراک همه این متفکران لزوم حفظ کرامت انسانی است. البته همانطور که در بخش آتی تشریح خواهد شد؛ هر کدام از این متفکران، به برخی از حقوق اشاره کردند، اما به نظر نویسندگان از آنجایی که مدافعان نسل چهارم هر کدام بنا به تخصص علمی، صرفاً به بخشی از حقوق نسل چهارم پرداختند، می‌توان در یک نگاه کلی، حفظ کرامت انسانی در مقابل پیشرفت سریع تکنولوژی را زمینه و دلیل اصلی طرح نسل چهارم دانست.

آقای سیلیویو مارکس هلمنس<sup>۲</sup>، استاد دانشکده حقوق دانشگاه لوون و دبیر مرکز حقوق بشر، در مقاله خود پس از اشاره به مشکلات گسترش سیاهه‌ی حقوق بشر، درباره لزوم حفظ کرامت انسانی می‌نویسد: «علی‌رغم وجود این دلایل، ما ذکر و ارائه نسل چهارم (حقوق بشر) را ضروری ارزیابی می‌کنیم؛ حقوقی که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوءاستفاده از علم دفاع کند.» (هلمنس، ۱۳۸۵، ص ۳)

وی در ادامه مصادیقی از مشکلات علم را تشریح نموده و سپس در نتیجه‌گیری تاکید می‌نماید: «در اینجا لازم نمی‌دانیم تمام خطرات ناشی از این اختراعات خارق‌العاده را بیان کنیم. توجه ما بیشتر معطوف به روش‌های حمایت از حیثیت و کرامت انسانی در مورد سوءاستفاده از علم است بی‌آن که بخواهیم محافظه‌کارانه عمل کنیم و یا بخواهیم به گذشته بازگردیم. در واقع، علم امکانات بی‌نهایت و خدمات زیادی فراهم کرده است اما برای حفظ این مسیر، تحقیق باید آزادانه و در مسیرهای جدید حرکت نماید. حقیقتاً، بی‌حد و مرز بودن آنگاهی امری مشروع محسوب می‌شود که این آزادی ابزار وسعت و عظمت بشریت باشد. در همین حال، طبعاً ما باید محتاط باشیم زیرا، بعضی از محققان متمایل به سوءاستفاده از قدرت خود هستند. کنجکاوی مشروع و سیری‌ناپذیر می‌تواند به حدی از حسن نیت دور شود که بشریت را به مخاطره بیندازد. در این زمینه‌ها، ما باید خودمان را در مقابل «مستی و سرگردانی و احساس مفرط نسبت به آگاهی بیشتر» به ویژه در مواردی چون ابتدا و انتهای حیات،

۲. Silvio Marcus Helmons

نسل‌های آتی... در یک کلمه قلمرو زیست - اخلاق که مربوط به ماست، حفظ نماییم.» (همان، ص ۴)

برای تبیین بهتر موضوع در ادامه ابتدا مفهوم کرامت انسانی و سپس تأثیر تکنولوژی بر زندگی انسان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### الف. مفهوم کرامت انسانی:

۱- مفهوم لغوی کرامت انسانی: واژه «کرامت» در فرهنگ فارسی معین، به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بزرگی و بزرگواری، جوانمردی و بخشندگی آمده است. (معین، ۱۳۸۷، ص ۷۳۲) همچنین این واژه در فرهنگ لغت دهخدا به معنای سخاوت، جوانمردی، نواخت و احسان و بزرگواری، بخشندگی و داد و دهش، بزرگواری داشتن کسی، سرافرازی، رفعت، بزرگی و عزت به کار رفته است. «کرامت کردن» نیز یعنی بزرگواری کردن، عطا کردن، بخشیدن، دادن آنکه قدر و مرتبت برتر دارد، خارق عادت پدید آوردن، حرمت داشتن. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵۷ و ۲۲۵۶) معادل انگلیسی واژه کرامت، *dignity* به معنای ارزش، اعتبار، شأن، قدر، بزرگی، عظمت، عزت، شرف، وقار، متانت، رتبه، مقام و درجه می‌باشد. (باطنی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰)

اگر معنای لغوی کرامت انسانی را به دقت مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم کرامت بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت متمایز از یکدیگر در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها جنبه ارزشی دارند و رتبه، درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کنند؛ مثل کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت قابل اکتساب و سلب است و ممکن است کاهش یا افزایش پیدا کند، اما برخی از این نوع ویژگی‌ها مثل انسانیت، ذاتی انسان است و همانگونه که قابل وضع نیست قابل سلب از انسان نیز نیست. این نوع کرامت هیچ رتبه و درجه‌ای را برنمی‌تابد و به ذات و هستی انسان برمی‌گردد. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۸) بنابراین دو نوع کرامت انسانی را می‌توان تصور کرد؛ کرامتی که قابل تغییر نیست که به آن کرامت ذاتی می‌گویند؛ و کرامتی که بر اساس ویژگی‌های اخلاقی و خصلت‌های روحی انسانی قابل تغییر است و آن را کرامت اکتسابی یا کرامت ارزشی می‌نامند.

۲- تعریف اصطلاحی کرامت انسانی: در دوره معاصر، کرامت ذاتی انسان، اولین بار توسط جان لاک در راستای اندیشه حقوق عینی ذاتی افراد به شکل قاعده مند مطرح شد. از نظر کانت انسانیت خود یک کرامت است و همه انسان‌ها به جهت انسانیت‌شان دارای کرامت ذاتی هستند. کانت در کتاب اساس مابعدالطبیعه اخلاق، این مفهوم را در قالب یکی از قواعد امر مطلق که تشکیل دهنده فلسفه اخلاق او است این گونه بیان می‌دارد: «چنان وسیله‌ای صرف که همواره و در عین حال به عنوان یک غایت تلقی کنی». (Kant, 1948, pp. 90 – 96) از دیدگاه او کرامت انسان مشخصاً از قابلیت او برای تأسیس قانون اخلاقی عام تشکیل می‌شود، البته به شرط آنکه خود نیز مشمول قانونی باشد که وضع می‌کند. (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲)

نکته‌ای که ذکر آن ضروری است، توجه صرف امانوئل کانت به کرامت ذاتی انسان است. وی کرامت انسانی را از بعد اخلاقی و فلسفی نگریسته و از کرامت اکتسابی (ارزشی) که در برخی جوامع به آن اهمیت داده می‌شود، غافل گشته است. در تعریفی دیگر از کرامت انسانی که توسط برخی از اندیشمندان ارائه شده است، کرامت انسانی در سطحی بسیار بالا ترسیم شده: «کرامت انسانی به آن نوع حرمت و ارزشی گفته می‌شود که انسان از آن جهت که انسان است، از آن برخوردار می‌باشد». متفکران منشأ این کرامت را در انسانیت انسان و فرزند آدم بودن او جستجو کرده، و معتقد هستند این انسانیت در تمام انسان‌ها به طور طبیعی و مساوی وجود دارد (مقدم، ۱۳۸۸، ص ۳۵-۳۷)، که این در واقع همان تعریف کرامت ذاتی انسان است که همه جوامع به آن توجه داشته‌اند.

۳- کرامت و حق بر کرامت: در بین منابع حقوقی، کرامت عمدتاً جدای از حق بر کرامت بوده است. این حق فی نفسه در شرایط امکان شکایت و تعقیب و حق انتزاعی متفاوت است. کرامت و ریشه‌های آن گاهی و البته به ندرت با فعالیت‌های بشری فرهنگی ارتباط دارند. این موضوع در عمل، تعیین مفاهیم کرامت و حق کرامت و کاربرد آن‌ها را دشوارتر می‌سازد. حق بر کرامت معمولاً از طریق درک ریشه آن به طور عینی‌گرایی فلسفه مادی‌اش توضیح داده می‌شود. گفته شده است که این حق نه توسط دولت اعطا شده است و نه توسط خود شخص و بدون در نظر گرفتن جنسیت،

نژاد، ملیت و همچنین سبک زندگی برای هر انسانی به وجود آمده است. این کرامت است که فی نفسه مرتبط با زندگی هر انسانی است. هیچ کس نمی تواند این حق را از کسی بگیرد. این حق متعلق به انسان های درستکار نیست بلکه دیکتاتورها، آزار دهنده های کودکان یا سایر افراد غیراجتماعی نیز از آن برخوردارند. حتی یک جنین، یا بیمار در حال موت، کرامت را دارا می باشند. (Vaisvila, 2009) بنابراین برای صحبت از کرامت انسانی در حقوق باید کرامت انسانی را به عنوان یک حق مدنظر قرار دهیم.

### ب. ماهیت تکنولوژی های و آثار آن بر حقوق انسان ها

از زمان پیدایش تکنولوژی که عمری به قدمت انسان دارد تا سال های اخیر که به نوعی عصر تکنولوژی های مدرن خوانده می شود، مطالب زیادی پیرامون مفهوم، ماهیت و آثار تکنولوژی مطرح شده است؛ که پرداختن به آن - علی رغم فوایدش - از حوصله بحث حاضر خارج می باشد. به همین دلیل تلاش خواهد شد بدون ورود به مباحث عمیق فلسفی، ماهیت تکنولوژی و آثار آن تبیین گردد.

نخست باید یادآوری نمود که این تصور که تکنولوژی جایگزین تمام و کمال انسان است، صحیح نیست. در همین مسیر نباید در ماهیت و آثار تکنولوژی افراط کرد؛ برخی با گسترش مفهوم تکنولوژی به یافته های علمی آزمایشگاه ها و یا تحقیقات علمی در حال اجرا، تصویری افسانه ای از تکنولوژی ارائه دهند. قطعاً با دانستن این پدیدار در تمامیتش می توان میزان تازگی، و همچنین حدود آن را سنجید. ژاک الول در مقاله خود با عنوان تکنولوژی به منزله ی مفهوم آدر این زمینه اذعان دارد: «مسئلاً، اگر تکنولوژی های متکثر را به تصویر بکشیم و کنار یکدیگر بنشانیم، به راحتی می توانیم توسعه بی انتهای آنها را تخیل کنیم. اما اگر سیستمی را مطالعه کنیم که در آن تکنولوژی ها با یکدیگر ربط متقابل دارند و بهمیمیم که این سیستم بسته نیست، آنگاه باید دریابیم که نه می توانیم تکنولوژی ها را انسان گونه کنیم نه

می‌توانیم توسعه بی‌انتهای آنها را تخیل کنیم. به همین دلیل باید تکنولوژی را مفهوم‌سازی کنیم و توصیف‌های اغراق‌آمیز و وهم‌آلود از جامعه‌ی آینده را، قاطعانه کنار بگذاریم.» (الول، ص ۵)

پس از بحث مقدماتی فوق، برای شناخت ماهیت تکنولوژی شاید سسته است تا به اندیشه‌های مارتین‌هایدگر<sup>۴</sup> مراجعه شود؛ زیرا او از معدود فیلسوفانی است که در باب تکنولوژی تأمل فلسفی نموده و سعی در کشف روح حاکم بر تکنولوژی‌های مدرن (جدید) داشته و با نقد دیدگاه رایج از تکنولوژی، به سوی ماهیت آن حرکت کرده است. (علی‌زمانی، ۱۳۷۹، ص ۱) هایدگر در مباحث خود به این سؤال محوری پاسخ می‌دهد که تکنولوژی چیست؟

هایدگر برای شناخت تکنولوژی دو جهت تفکر معرفی می‌کند: «تکنولوژی نوعی عقل کار است که در یک سویش وجود و غایت آن نهفته است و در سوی دیگرش مظهریت همین وجود و غایت آن (بخشی از آن وجود تا آنجایی که توانسته‌ایم آن را به عقل تبدیل کنیم) در اکنون. یعنی آنچه ما اکنون از تکنولوژی ملاحظه می‌کنیم یا بهتر بگوییم در جهان تجربه می‌کنیم، بخشی از آن وجود است. اما در دوره مدرنیته به دلیل پیوند یک‌سویه تکنولوژی به علوم تجربی و به خصوص فیزیکی و بهتر بگوییم به علت آنکه سوژه ماده (که سوژه‌ای تغییر ناپذیر در ماهیت خود است - یعنی اسید سولفوریک همیشه همان اسید سولفوریک است و اگر چیزی به آن تبدیل شود، دیگر اسید سولفوریک نیست) سوژه‌ای ثابت بود (و هست)، به ناچار بخش اول یعنی همان ساحت وجودی تکنولوژی حذف شد و تکنولوژی با جدایی از این نیروی رهایی‌بخش، در میدان تقدیر علیت و موجبیت فیزیکی گرفتار آمد. به همین دلیل بود که شناخت، از ماهیتی سه بعدی با دو شک (سه بعدی یعنی وجود، موجود و تجربه یا بهتر بگوییم تخیل، عقل و تجربه که دو شک معرفتی و عقلایی از آنها حاصل می‌شود) به ماهیتی دو بعدی یعنی عقل و تجربه همراه با یک شک عقلایی سقوط کرد و چراغ مقابل که

۴ Martin Heidegger

همان وجود بود به کناری گذارده شد. چنین بود که نیروی رهایی‌بخش تکنولوژی به تکنولوژی ضرورت‌زا و محدود کننده تبدیل شد. «قانع‌بصری، ۱۳۸۸، ص ۲۵ و ۲۶) او معتقد است وقتی می‌پرسیم تکنولوژی چیست؟ در جواب دو پاسخ می‌شنویم: اینکه تکنولوژی وسیله‌ای برای غایتی است و دیگر اینکه تکنولوژی یک فعالیت انسانی می‌باشد. هایدگر می‌گوید: «این دو تعریف با هم مرتبط‌اند. زیرا برآوردن غایات و اهداف با استفاده از امکانات و وسایل، نوعی فعالیت انسانی است. ساخت و استفاده از تجهیزات و امکانات، ابزارها و ماشین آلات، محصولات ساخته شده و به مصرف رسیده همگی به آن چیزی تعلق دارند که تکنولوژی نام دارد. کل این وسایل و تدابیر تکنولوژی هستند.» (همان، ص ۲۸ و ۳۰) هایدگر در خصوص رابطه انسان با تکنولوژی نیز اشاره دارد که هرچه میل به سلطه یافتن بر تکنولوژی شدت و ضرورت می‌یابد، کنترل و هدایت تکنولوژی بیشتر از دست بشر خارج می‌شود. در واقع هنگامی که تکنولوژی به صورت دستگاهی برای افزایش قدرت سیاسی و یا اقتصادی درآید، نیروی زایش آن به جای اینکه رهایی‌بخش باشد، به صورت عامل ضرورت‌آفرین درآمده و به ابزار قدرت بدل می‌شود. (همان، ص ۳۲) هایدگر با بحث‌های مفصل سرانجام به این نتیجه می‌رسد که آنچه خطرناک است تکنولوژی نیست، تکنولوژی شیطانی نیست؛ اما ماهیت‌اش مرموز و اسرار آمیز است.

انسانی زندانی در چنبره تکنولوژی ناچار است برای رهایی از این قالب‌های از پیش ساخته، مدام دعوت به تعارض کند. «بنابراین در صورت فقدان فضای مناسب، نیروی افاضه بخشی او تبدیل به نیروی مخرب می‌شود که در معصومانه‌ترین شکل آن تکرار و توهّم بروز می‌کند و این یعنی توقف و درماندگی و از دست رفتن مهم‌ترین رسالت انسانی در طول زندگی‌اش. به قول هایدگر چنین انسانی دیگر نه اختراعی می‌کند و نه ابتکاری به خرج می‌دهد. به همین دلیل است که در کشورهای جهان سوم، نخستین و بزرگ‌ترین مشکل این است که هنوز نتوانستند جایگاه انسان را در مجموعه قالب‌های مطلق شده مدرن پیدا کنند. آنها ناچار شده‌اند انسان را از تاریخ همین قالب‌های وارداتی نیز حذف کنند و در عوض آنچه که آن را تاریخ نام می‌گذارند، در حقیقت آثار کمی تغییراتی است که این قالب‌ها ایجاد کرده‌اند...

در کشورهای با سرعت توسعه شتابان تأثیر سوداگری و قدرت سیاسی بر نیروی زایش بسیار قوی تر است. در این کشورها، نیروی حجاب دانایی بر روی محصولات تکنولوژی که از طریق سهل الوصول کردن آنها دنبال می‌شود، نسبت اندیشه‌گی آدمی را با پدیدار به هوس مصرف تبدیل کرده است به قولی میزان دانایی انسان اولیه از محصولات که مصرف می‌کرده بسیار بیشتر از انسان عصر ما است. وجود این پوشش بر روی محصولات تکنولوژی خود نشان از قدرتی دارد که سیاست و اقتصاد سرمایه به تکنولوژی و به ویژه نیروی زایش آن تحمیل کرده و می‌کنند.» (همان، ص ۱۲۶ و ۱۲۷)

بنا بر آنچه گفته شد، تکنولوژی که از ابتدا برای کمک به انسان اختراع شد، امروزه در مواردی از کنترل خارج شده و انسان را از مسیر اصلی خود منحرف نموده است. در واقع همین روند، موجب نگرانی شده و در نتیجه حفظ کرامت انسانی اقتضاء دارد تا تدابیری برای حمایت از افراد در برابر تکنولوژی‌های نوین اتخاذ گردد.

### **بند دوم - مفهوم و دامنه نسل چهارم حقوق بشر**

پس از آشنایی با زمینه و دلایل طرح نسل چهارم حقوق بشر، در ادامه با ارائه و بررسی نظرات اساتید و پژوهشگران مدافع نسل چهارم حقوق بشر، مفهوم و دامنه‌ی این نسل مشخص خواهد شد. در این بخش تلاش خواهد شد تا دیدگاه‌های حقوقدانان با حداقل تغییر بیان شود.

#### **۱- آقای سیلیویو مارکس هلمنس**

همان‌طور که در بخش اول اشاره گردید آقای هلمنس در یکی از مقاله‌های خود، به نسل چهارم حقوق بشر پرداختند. ایشان ذکر و ارائه نسل چهارم حقوق بشر را ضروری دانسته و اعتقاد دارد نسل چهارم شامل حقوقی است که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده از علم دفاع کند. هلمنس برای تأکید بیشتر در عبارتی قابل تأمل و توجه می‌نویسد: «بعد از تحولات کشاورزی، صنعتی، اکنون ما شاهد تحولات علمی هستیم؛ اما این فن‌آوری خارق‌العاده با ارزانی داشتن داده‌های بالقوه ما را به انقیاد خود در آورده و جامعه‌ها را شکننده نموده است.» (هلمنس، همان، ص ۵)

وی در نوشتار مذکور، این حقوق را احصاء نکرده و صرفاً به بیان چند مصداق پرداخته است. در مصادیق به جنبه‌های مختلف توجه شده و صرفاً ناظر بر تحقیقات پزشکی نیست؛ بلکه منظور هلمنس هر نوع پیشرفت علمی است که به نوعی کرامت و حیثیت انسانی را زیر سؤال می‌برد.

بنابراین از نظر گذشت به عقیده هلمنس نسل چهارم حقوق بشر که در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی پدیدار گشته به طور مختصر به مجموعه حقوقی است که هدف آن دفاع از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده‌های علمی می‌باشد. (هلمنس، همان)

### ۲- آقای نوبرتو بوبیو

نوبرتو بوبیو<sup>۵</sup> حقوقدان و سیاستمدار ایتالیایی است که در زمینه فلسفه حقوق به تحصیل و پژوهش پرداخته است. وی نسل چهارم حقوق بشر را شامل دستاوردهای علم ژنتیک و علم پزشکی قانونی می‌داند. از انواع این حقوق می‌توان به حق شبیه سازی انسان، تغییر جنسیت، حق سقط جنین، حق پیوند اعضاء و حق مرگ مغزی اشاره نمود. (Cornescu, 2009, p:5) وی هر یک تحقیقات و اقدامات پزشکی در حوزه‌های مذکور را با تأکید بر تبعات آن بر کرامت انسانی مورد اشاره قرار داده و نتیجه می‌گیرد اجرای نادرست و بدون کنترل تحقیقات پزشکی و ژنتیک می‌تواند آثار زیان‌باری بر زندگی انسان در آینده نه چندان دور داشته باشد. این حقوقدان ایتالیایی گستره‌فراتری برای نسل چهارم در نظر نگرفته است.

### ۳- آقای برن وستون

دکتر برن وستون<sup>۶</sup> را نمی‌توان مدافع نسل چهارم دانست؛ او به عنوان یک محقق در کتاب خود به ارزیابی نسل چهارم حقوق بشر پرداخته و اعلام می‌دارد که نسل تازه‌ای از حقوق بشر به نام نسل چهارم پیشنهاد شده که مشتمل بر حقوق زنان، حقوق نسل‌های آینده، حق دسترسی به اطلاعات و حق ارتباطات است. به عقیده وی چارچوب این حقوق هنوز نه به لحاظ تبیین مبانی حقوقی، نه از لحاظ تعریف دقیق

---

<sup>۵</sup> . Noberto Bobbio

<sup>۶</sup> . Burns H. Weston

موضوع و نه از نظر تعیین صاحبان حق و مسئولان آن به صورت دقیق تعریف نشده است.

صرف نظر از مصادیق، نگاه واقع بینانه و ستون قابل توجه می‌باشد؛ به واقع نه تنها مبانی، بلکه دامنه و صاحبان حق و طرف‌هایی که تعهد برعهده آنها است، مشخص نیست که البته این به معنای تردید در لزوم نسل چهارم حقوق بشر نیست بلکه آغازی برای پرسش‌گری است.

#### ۴- نسل چهارم حقوق بشر در ایران

در ادبیات حقوقی کشورمان مطالب پراکنده و غیر منسجمی در خصوص موضوع تحقیق وجود دارد. از جمله مهم‌ترین آنها اشاره کوتاهی است که در کتاب نقد مبانی فلسفی حقوق بشر؛ جلد اول (تألیف آقای محمدجواد جاوید) صورت گرفته است. در این کتاب توسعه اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق نسل چهارم معرفی شده است. بنا بر دیدگاه‌های فوق می‌توان نسل چهارم را به این شرح تعریف نمود: «نسل چهارم حقوق بشر در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی طرح شده و هدف آن دفاع و حمایت از حیثیت و کرامت انسانی است.» همان‌طور که بیان شد، در مورد مصادیق نسل چهارم اتفاق نظر وجود ندارد و نمی‌توان دامنه‌ی حقوق این نسل را به درستی مشخص نمود. به اعتقاد برخی از حقوقدانان ایرانی، نسل چهارم حقوق بشر با نسل سوم دارای وجوه مشترکی است؛ با این حال توجه ویژه به استانداردهای جهانی برای احترام به حقوق انسان‌ها سبب تمایز و پیدایش نسل چهارم شده است. «در واقع این نسل از حقوق بشر با چهار رویداد مهم تاریخ بشری همزمان گردیده است که شامل انقلاب ارتباطات و اطلاعات، وظیفه جهان شمولی برای بشریت، ظهور مفاهیم ریشه‌دار انسانیت و در نهایت شرایط جهانی شدن می‌باشد. بنابراین این نسل را می‌توان در ضرورت پاسخ به چالش‌های مربوط به جهانی شدن، تکنولوژی و نیازها و چالش‌های قرن ۲۱ دید. این نسل از حقوق بشر به مثابه یک جنبش فرهنگی و هویتی پا به میدان گذاشته تا متقاضی توجه به ویژگی‌های هویتی و عمل به آن، به عنوان حقوق انسان بشود. خروجی چشم انداز این تقاضا به انسان‌هایی ختم می‌شود که به نوعی

متفاوت از اکثریت هستند، که این تفاوت را می‌توان در تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی، مذهبی و نژادی (که در اقلیت قرار گرفتند) یافت.

این نسل از حقوق بشر برای ایجاد نظم عادلانه نوین جهانی، متقاضی به رسمیت شناختن دیگران به عنوان یکی از پایه‌های اصول اخلاق جهانی است. در این راستا اتخاذ سیاست گفتگو و مراوده و تعامل با دیگران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. سردمداران این نسل از حقوق بشر معتقدند مفاهیم ملی و محلی مرتبط با انسان و حقوق او، باید در پیش زمینه‌های جهانی مورد بازبینی و تفسیر قرار گیرند؛ و با توجه به رویکرد مبتنی بر گفتگو، گفتگوی مبتنی بر متن‌های فرهنگی و معنویت‌گرایانه را به عنوان روش تکمیلی بر آن افزود. این نسل بر محورهای زیر تمرکز می‌یابد:

۱- حقوق زنان و قائل شدن به نقش بازیگران اصلی جامعه بشری برای آنان.

۲- حقوق نسل‌های آینده.

۳- حقوق مرتبط با گونه‌های مختلف بیولوژیک.

۴- حقوق حیوانات.

۵- حقوق مرتبط با حفاظت و نگهداری از تمدن‌ها.

۶- حقوق در برگیرنده انسان‌سازی و اجتماعی ساختن فضای حیات انسانی.

۷- حقوق دسترسی به اطلاعات.

۸- حقوق ارتباطات انسانی، تبادل اطلاعات و مخابرات.

اولویت‌های نسل چهارم را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

**نخست:** پاسخ مؤثر و قاطع در مقابل جنایت علیه بشریت و یافتن راهکارهایی که

هیچ فرد یا کشوری نتواند دارای مصونیت باشد.

**دوم-** نیاز به شکل دادن آموزش به عنوان موضوعی عام و فراگیر برای درک

مفاهیم خانواده بشری و توجه به اهمیت مقوله آموزش برای کمک به ادراک نیازها و رنج‌های انسانی.

**سوم-** نیاز به تعریف و شکل‌گیری نوعی از حقوق که در برگیرنده مفهوم نوینی از

خانواده بشری به شکلی که معنای آن در قالب کلام "همه ما" شکل بگیرد یا به

عبارتی دیگر صورت فراگیر همه انسان‌ها را در بر بگیرد و فاقد ابعادی که سبب جدائی سازی، تقسیم بندی، تفرقه و سیاست‌های دگرسازی باشد.

**چهارم** - تأکید، تقویت و پیشبرد مفهوم گفتمان، به عنوان ابزار و روشی که زمینه ساز یادگیری متقابل، شنا سایی تفاوت‌ها و تفکر در خصوص عدالت به عنوان تصدیق تفاوت‌های فرهنگی و هویتی باشد. «(رضوی، امید، برداشتی آزاد از سخنرانی آقای دکتر محمود مسائلی)

به اعتقاد نویسنده، در شرایط فعلی و علی‌رغم تمام تردیدها؛ حق بر ارتباطات از مصادیق بسیار مهم نسل چهارم حقوق بشر می‌تواند باشد. این حق که در کنار حقوقی مثل آزادی بیان و اطلاعات و رسانه‌ها مطرح می‌شود، امروزه زمینه ساز تحقق حقوق بشر بوده و بدون برخورداری از این حق، نمی‌توان به دستیابی و برخورداری از سایر حقوق امیدوار بود.

## نتیجه‌گیری

### بر مبنای نتایج تحقیق:

**اولاً:** طرح نسل چهارم حقوق بشر یک ایده احساسی و غیرعلمی نبوده و تعدادی از اساتید و پژوهشگران حقوق با تأکید بر شرایط عصر حاضر و تحولات سریع آن بر لزوم شناسایی نسل جدیدی از حقوق بشر تأکید دارند.

**ثانیاً:** زمینه اصلی و دلیل شناسایی چنین حقوقی لزوم حفظ کرامت انسانی در عصر حاضر است؛ دورانی که پیشرفت‌های بشری (رشد سریع علم و تکنولوژی‌های مدرن) در مواردی به تهدید علیه بشریت تبدیل شده است. این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها با نسل‌های اول، دوم و سوم حقوق بشر رفع نشده و نیاز به چارچوب‌های حقوقی جدید برای حمایت از حقوق انسانی وجود دارد.

**ثالثاً:** نسل چهارم حقوق بشر را می‌توان مجموعه حقوقی دانست که هدف آن حمایت از کرامت انسانی در تحقیقات علمی و در برابر تکنولوژی‌های مدرن است.

**رابعاً:** هنوز چارچوب حقوق نسل چهارم حقوق بشر نه به لحاظ تبیین مبانی حقوقی، نه از لحاظ تعریف دقیق موضوع و نه از نظر تعیین صاحبان حق و مسئولان آن به صورت دقیق تعریف نشده و به صورت کلی در خصوص مصادیق این حقوق اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال می‌توان حمایت از حقوق انسان‌ها در تحقیقات پزشکی و ژنتیکی، حقوق زنان، حقوق نسل‌های آینده و حق دسترسی به اطلاعات و حق ارتباطات از جمله حقوق نسل چهارم دانست.

## منابع

۱. علی زمانی، امیرعباس (۱۳۷۹)، «ماهیت تکنولوژی از دیدگاه هایدگر»، نامه مفید، شماره ۲۳.
۲. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، نشر میزان، تهران.
۳. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، حقوق بشر در جهان معاصر-دفتر اول، چاپ چهارم، نشر دانش، تهران.
۴. قانع بصیری، محسن (۱۳۸۸) پرسشی از هایدگر؛ تکنولوژی چیست؟، نشر پایان، تهران.
۵. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۹)، ارتباطات بین‌المللی، جلد اول و دوم، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران..
۶. هایدگر، مارتین (۱۳۷۷)، فلسفه‌ی تکنولوژی، مترجم شاپور اعتماد، نشر مرکز، تهران.
۷. هلمنس، سیلیویو مارکس (۱۳۸۵) «مقوله‌ی چهارم حقوق بشر»، ترجمه حسن کاشفی و محمدحسین رضائی، مجله حقوق عمومی، شماره ۲

## منابع لاتین

1. Cornescu, Adrian Vasile, (2009), THE GENERATIONS OF HUMAN'S RIGHTS, [https://www.law.muni.cz/sborniky/dny\\_prava\\_2009/files/prispevky/tvorba\\_prava/Cornescu\\_Adrian\\_Vasile.pdf](https://www.law.muni.cz/sborniky/dny_prava_2009/files/prispevky/tvorba_prava/Cornescu_Adrian_Vasile.pdf)
2. Ellul, Jacques. (1980) The technological system. Translated from the French by Joachim Neugroschel. New York: Continuum.
3. Kant, Immanuel H. J. Paton, (1948) Groundwork Of The Metaphysics Of Morals, London, Hutchinson.
4. Vaisvila, Alfonsas and Habil (2009), Human dignity and the right to dignity in terms of legal personalism, mykolas romeris university faculty of law department of philosophy of law, Available At: [https://www.mruni.eu/lt/mokslo\\_darbai/st/archyvas/dwn.php?id=213048](https://www.mruni.eu/lt/mokslo_darbai/st/archyvas/dwn.php?id=213048).
5. Weston, Burns & Grear, Anna (2016), Human Rights in the World Community: Issues and Action, University of Pennsylvania Press, 2016.